



حضرت ابوالفضل «نافذ البصيرة» بود/وفای عباس(ع)؛ حد اعلای تجلی عرفان

حجت الاسلام پاک‌نیا، استاد حوزه با بیان اینکه اوج عرفان، از خودگذشتن و به یاد محبوب بودن است، گفت: حد اعلای عرفان در وفا و معرفت قمر بنی‌هاشم در دشت کربلا تجلی پیدا کرد.

حجت الاسلام پاک‌نیا، استاد حوزه با بیان اینکه اوج عرفان، از خودگذشتن و به یاد محبوب بودن است، گفت: حد اعلای عرفان در وفا و معرفت قمر بنی‌هاشم در دشت کربلا تجلی پیدا کرد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: حضرت عباس (ع)، قامتی رشید، چهره‌ای زیبا و شجاعتی کم‌نظیر داشت و به خاطر سیمای جذابش او را «قمر بنی‌هاشم» نامیدند. ایشان در حادثه کربلا، سمت پرچمداری سپاه امام حسین (ع) و سقایی خیمه‌های اطفال و اهل بیت امام را داشت و در رکاب برادر، غیر از تهیه آب، نگرهبانی خیمه‌ها و امور مربوط به آسایش و امنیت خاندان حسین (ع) نیز برعهده او بود و تا زنده بود، دودمان امامت، آسایش و امنیت داشتند.

عبّاس در خانه حضرت علی (ع) و در دامن مادر با ایمان و وفادارش و در کنار حسن و حسین (علیهماالسلام) رشد کرد و از این دودمان پاک و عترت رسول، درس‌های بزرگ انسانیت و صداقت و اخلاق را فرا گرفت. تربیت خاصّ امیرالمومنین (ع) بی‌شک، در شکل دادن به شخصیت فکری و روحی بارز و برجسته این نوجوان، سهم عمده‌ای داشت و درک بالای او ریشه در همین تربیت‌های والا داشت.

وقتی امام علی (ع) به شهادت رسید، عباس بن علی چهارده ساله بود. ده سال تلخ را هم پشت سر گذاشت. سالی که برادرش امام حسن مجتبی (ع) به امامت رسید، حيله گری‌های معاویه، آن حضرت را به صلح تحمیلی وا داشت. وقتی امام مجتبی، مسموم و شهید شد، عباس بن علی ۲۴ سال داشت. باز هم غمی دیگر بر جان‌اش نشست. عباس در همه دوران حیات، همراه برادرش حسین (ع) بود و فصل جوانی بی‌شک و خدمت آن امام گذشت. میان جوانان بنی‌امیه، هاشم شکوه و عزّتی داشت و آنان بر گرد شمع وجود عباس، حلقه‌های عشق و وفا به وجود آورده بودند و این جمع، در خدمت و رکاب امام حسن و امام حسین همواره آماده دفاع بودند و در مجالس و محافل، از شکوه این جوانان، به ویژه از صولت و غیرت و حمیت عباس سخن بود.

روز تاسوعا امام، او را برای مهلت گرفتن نزد سپاه کوفه فرستاد و ایشان با عبارت «بنفسی انت یا اخی» امر امام را اجابت نمود. روز عاشورا، سه برادر دیگر حضرت ابوالفضل العباس پیش از او به شهادت رسیدند. وقتی علمدار کربلا از امام حسین (ع) اذن میدان طلبید حضرت از او خواست که برای کودکان تشنه و خیمه‌های بی‌آب، آب تهیه کند. ابوالفضل (ع) به فرات رفت و مشک آب را پر کرد و در بازگشت به خیمه‌ها با سپاه دشمن که فرات را در محاصره داشتند درگیر شد و دست‌هایش قطع گردید و به شهادت رسید.

زیارت‌نامه حضرت عباس (ع) که از قول حضرت صادق (ع) روایت شده، تأیید و تأکیدی بر مقام عبودیت و صلاح و طاعت او و نیز تداوم خط مجاهدان بدر و مبارزان با دشمن و یاوران اولیا خدا و مدافعان از دوستان خداست.

عباس، مظهر ایثار و وفاداری و گذشت است. وقتی وارد فرات شد، با آنکه تشنه بود، اما به خاطر تشنگی برادرش حسین (ع) و خاندان پیامبر آب ننوشید. شهادت عباس، برای امام حسین (ع) بسیار ناگوار و شکننده بود. جمله پر سوز امام، وقتی که به بالین عباس رسید، این بود: «الآن انکسر ظهري و قلت حيلتي و شمت بی عدوی». اکنون کمرم شکست و راه چاره بر من بسته شد.

زیارت‌نامه آن حضرت که از قول حضرت صادق (ع) روایت شده، تأیید و تأکیدی بر مقام عبودیت و صلاح و طاعت او و نیز تداوم خط مجاهدان بدر و مبارزان با دشمن و یاوران اولیا خدا و مدافعان از دوستان خداست. امام سجاد (ع) نیز سیمای درخشان عباس بن علی را اینگونه ترسیم فرموده است: «رحم الله عمی العباس فلقد أثر و ابلی و فدا اخاه بنفسه حتی قطعت یداه فابده الله عز و جل بهما جناحین یطیر بهما مع الملائكة فی الجنة کما جعل جعفر بن ابی طالب. و ان للعباس عند الله تبارک و تعالی منزلة یغبطه بها جمیع الشهداء یوم القيامة» که در آن نیز مقام ایثار، گذشت، فداکاری، جانبازی، قطع شدن دستانش و یافتن بال پرواز در بهشت، همبال با جعفر طیار و فرشتگان مطرح است و اینکه: عمویم عباس، نزد خدای متعال، مقامی دارد که روز قیامت، همه شهیدان به آن غبطه می‌خورند و رشک می‌برند.

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک نیا، استاد حوزه علمیه قم درباره زندگی و خصائل حضرت ابوالفضل العباس به خبرنگار مهر گفت: هرچند که اوج تَقَلُّلِها در مورد قمر بنی هاشم به روز عاشورا و وقایع آن روز بازمی گردد اما با این وجود به صورت جسته گریخته مطالبی در مورد زندگی حضرت عباس (ع) قبل از قیام عاشورا نیز وجود دارد که می توان آن را الگوی زندگی قرار داد.

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم ادامه داد: یکی از این موارد مسأله اطاعت حضرت از خدای متعال و ولیّ اوست، یعنی بندگی حضرت ابوالفضل العباس (ع) در برابر پروردگار عالم و تسلیم محض باری تعالی بودن، چنانچه در زیارت نامه حضرت عباس آمده است: «السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ»، در این فراز سلام بر بنده صالحی می شود که مطیع خدا، پیامبر اکرم (ص)، حضرت امیر (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است. اساساً مهمترین نکته ای که می توان از همین فراز استفاده کرد، همین موضوع یعنی اطاعت محض قمر بنی هاشم در برابر فرمان خدا و رسول و امام زمان خویش است.

حجت الاسلام پاک نیا افزود: از جمله خصایل حضرت، بصیرت بود. در روایات متعدد حضرت به عنوان شخصیتی بصیر توصیف شده که ظاهربین نبوده است، ضمن اینکه موضع گیری های حضرت دال بر این ویژگی است، چنانچه در شرایطی که بسیاری نمی دانستند چه کنند و نیک و بد کدام است، حضرت با نگرشی همراه با بصیرت قدم برداشته و عمل کردند. امام صادق (ع) درباره عمویش عباس می فرماید: "كَانَ عَمَّتَا الْعَبَّاسَ تَأْفِذَ الْبَصِيرَةَ" عموی ما عباس دارای بصیرت ژرف بود.

امام صادق (ع) درباره عمویش عباس می فرماید: "كَانَ عَمَّتَا الْعَبَّاسَ تَأْفِذَ الْبَصِيرَةَ" عموی ما عباس دارای بصیرت ژرف بود

حجت الاسلام پاک نیا گفت: در کتاب «معالی السبطين» که یکی از مقاتل معروف محسوب می شود، آمده است: «امیرمؤمنان (ع) او را از این رو عباس نامید که به شجاعت، شکوه، صولت و خشم او در پیکار با دشمنان آگاهی داشت. دشمنان در برابر او لرزه بر اندامشان می افتاد و صورت هایشان از ترس او رنگ درمی باخت. اساساً داستان فرستادن امان نامه به قمر بنی هاشم نیز از یک بُعد به دلیل همین جایگاه حضرت و شجاعتش بود چراکه این امان نامه برای ایشان ارسال شد و نه دیگران.

وی ادامه داد: در مورد عاشورا و وقایعی که در آن روز اتفاق افتاد نوشته اند: لشکر شمر با جمعیتی چهارهزار نفری وارد کربلا شد. یکی از نقشه های شمر ملعون ارسال امان نامه برای حضرت عباس (ع) بود تا از یاران سیدالشهدا کاسته و ستون اصلی سپاه اندک حضرت را بگیرد و از طرف دیگر با این کار لشکر خود را به لحاظ روانی تأمین کند، چراکه همان طور که اشاره شد حتی نام ابوالفضل العباس لرزه بر اندام دشمن می انداخت، در نتیجه امان نامه را به همراه خود برد و قمر بنی هاشم را صدا کرد اما حضرت پاسخش را نداد اما سیدالشهدا (ع) به برادرش فرمان داد که پاسخش را بده و ببین چه می گوید. حضرت عباس در پاسخ شمر که می گفت: برائت امان نامه آوردم و تو و برادرانت در امان هستی فرمود: "تَبَّتْ يَدَاكَ وَ لَعْنَتَا مَا جِئْتَ بِهِ مِنْ أَمَانِكَ يَا عَدُوَّ اللَّهِ أَ تَأْمُرُنَا أَنْ نَتْرُكَ أَخَاتَا وَ سَيِّدَتَا الْحُسَيْنَ بْنَ قَاطِمَةَ (س) وَ نَدْخُلَ فِي طَاعَةِ اللُّعْنَاءِ وَ أَوْلَادِ اللُّعْنَاءِ" دستت بریده باد! لعنت بر امان نامه ات، ای دشمن خدا! می خواهی که برادرم، سرورم و امامم را ترک بگویم و در اطاعت لعنت شدگان و فرزند لعنت شدگان وارد شوم؟

حجت الاسلام پاک نیا اظهار کرد: درست است که «ام البنین» مادر حضرت عباس (ع) از همان قبیله شمر ملعون بود اما نکته مهمتر این بود که در آن کارزار بسیاری از افراد با یکدیگر فامیل یا هم قبیله هم بودند اما کسی برای دیگر امان نامه نفرستاد، ماجرا این بود که حضرت عباس (ع) برای شمر و عبیدالله بسیار مهم بود تا جایی که در برخی نقل ها آورده اند شبی که «عمر بن سعد» شورای نظامی تشکیل داد و گفت با این هفتاد و دو نفر چه کنیم، گفتند این عده بسیار اندک هستند و مشکلی نیست و می توان بر آنان غلبه کرد. یکی از فرماندهان لشکر در پاسخ اظهار کرد: مگر فراموش کرده ای که در میان یاران حسین، عباس بن علی هست؟ که در اینجا شمر بلند شد و گفت: من فکرش را کرده ام و اگر عباس را نتوانیم به سوی خود بکشانیم می توانیم از لشکر حسین جدا کنیم! به هر حال آنها قبلاً حضرت عباس (ع) را در جنگ صفین زمانی که چهارده سال سن داشت دیده بودند و هم اهل شام و هم اهل عراق سلحشوری های حضرت را دیده بودند و به یاد داشتند که عباس بن علی چه کسی است.

عباس بن علی (ع) از خود گذشت و به یاد و محبت و وفای برادرش آب ننوشید. این اوج عرفان است یعنی از خودگذشتن و به یاد محبوب بودن

این پژوهشگر سیره اهل بیت (ع) در بخش دیگری از مباحث خود در مورد وفاداری و محبت حضرت عباس (ع) به امام

حسین (ع) گفت: زمانی که حضرت برای آوردن آب به میدان رفت با اینکه می توانست آب بنوشد اما چنین نکرد و فرمود:

یا نَفْسُ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ هُونِي / وَبَعْدَهُ لَا كُنْتُ أَنْ تَكُونِي; ای نفس! زندگی پس از حسین خواری و ذلت است، مبادا پس از او زنده بمانی

هَذَا حُسَيْنٌ وَارِدُ الْمَوْتِ / وَتَشْرَبِينَ بَارِدَ الْمَعِينِ: این حسین است که شربت مرگ می ‏ نوشد و تو می ‏ خواهی آب سرد و گوارا بنوشی؟

هَيْهَاتُ مَا هَذَا فِعَالٌ دِينِي; / وَلَا فِعَالٌ صَادِقُ الْيَقِينِ: هی‌ها! چنین کرداری، از آئین من نیست و نه کردار شخص راست‌باور

وی در ادامه عملکرد حضرت عباس (ع) در دشت کربلا را حد اعلای عرفان دانسته و افزود: نکته مهمی که در این باب با استناد به مقاتل و آنچه که در تاریخ ذکر شده می توان بیان کرد آن است که حضرت عباس (ع) ذوب در بندگی خداوند بود. اساساً همان ننوشیدن از آب در حالی که دسترسی به آن داشت، خود مقامی والا است چراکه عباس بن علی (ع) از خود گذشت و به یاد و محبت و وفای برادرش آب ننوشید. این اوج عرفان است یعنی از خودگذشتن و به یاد محبوب بودن. از نظر شرعی هیچ مانعی نبود که قمر بنی هاشم آب بنوشد اما قسم خورد که هرگز آب نمی نوشم در حالی که آقای من تشنه لب است. همین عملکرد کافی است تا معرفت، وفا و عرفان در عمل عباس بن علی (ع) را به تصویر می کشد.